پگاه حوزه، [مرداد 1388 - شماره 60](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/6436/7128/0)

**آموزه های تبلیغ دین در سنت خطیبان مشهد**

**در گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین دهشت \***

|  |
| --- |
| **با تشکر از حضرتعالی، بفرمائید که خطیبان نامی و تاثیر گذار شهر مشهد در دوران نوجوانی و جوانی شما چه کسانی بودند.**  من در آغاز اسامی خطیبان و منبری هایی که در زمان ما بودند و از دنیا رحلت کردند را نام می برم و در ادامه به دیگر خطیبان نیز اشاره خواهم کرد.  از جمله منبری های معروف و خوب آن زمان می توان به خطیبان نامی زیر اشاره کرد که عبارتنداز :  مهدی واعظ خراسانی، پدر آقای واعظ زاده که ایشان در مسجد گوهرشاد به منبر می رفتند، مرحوم حاج شیخ علی محدث (ره) که من از محضر ایشان استفاده می کردم، مرحوم حاج شیخ عبدالله یزدی، مرحوم حاجی اشرف که اهل مشهد بودند و سالها در این شهر منبر می رفتند و تألیفاتی داشتند، که از جمله تألیفات ایشان می توان به جواهر العددیه اشاره کرد که بعدها به تهران رفت، مرحوم حاج آقای یاسین، مرحوم حاج سید مرتضی و حاج حسین واعظی سبزواری که برادر حاج مرتضی واعظ سبزواری بودند، مرحوم حاج مرتضی و حاج شیخ محمد عیدگاهی که از منبری های فاضل بودند البته در آن زمان معروف بود که حاج شیخ محمد عیدگاهی حاشیه خوانده است مرحوم شیخ محمد کرمانی که بعدها به سوی دستگاه طاغوت کشیده شد، البته در اوائل این گونه نبود - مرحوم سید عباس و سید حسین افتخار سبزواری، که برادر بودند؛ مرحوم آقای شیخ حسن و شیخ احمد کافی، مرحوم آقای سید قطب، مرحوم آیت الله شیخ محمود حلبی که منبرهای ایشان از رادیو مشهد پخش می شد، مرحوم آقای هاشمی نژاد، مرحوم دانش سخنور که اهل فردوس بود و در مشهد منبرهای خوبی می رفت وبعد جریان هایی پیش آمد که تقریباً مطرود و خانه نشین شد، مرحوم آقای شبیری، مرحوم شیخ اصغری خاوری، مرحوم حاج میرزا آقای سرابی، مرحوم رکن الواعظین، مرحوم مروج سبزواری، مرحوم محمد نصر اللهی، مرحوم راثی، مرحوم نوغانی و ( البته یک واعظ به نام نوغانی هم داریم که در حال حاضر زنده است)، مرحوم عابد زاده که بنا کننده مهدیه، عسکریه، فاطمیه بود البته ایشان معمم نبود مرحوم شیخ محمد محدث برادر شیخ علی محدث که ایشان بعد از انقلاب به احزاب منحرف پیوست مرحوم شیخ مرتضی علم الهدی، مرحوم شیخ احمد محدث پسر شیخ علی که سال گذشته از دنیا رفت، شیخ علی محقق، مرحوم آقای واله، حاج آقای لسان، آقای فائقی، قوام لاری و مرحوم آقای مدقق، وحضرت آیت الله وحید خراسانی که از منبری های معروف آن زمان بودند.  از جمله منبری هایی که وارد مشهد می شدند نیز می توان به افراد زیر اشاره کرد: مرحوم فلسفی، شیخ علی اکبر تربتی که از منبری های معروف ایران بود و تهران زندگی می کرد و در قم هم منبر می رفت و آدم بسیار با تقوایی بود، مرحوم راشد، مرحوم علامه امینی، مرحوم برقعی واعظ از قم، که ایشان غیر از آیت الله برقعی تهران بودند، مرحوم آقای مناقبی که از منبری های معروف تهران بود.  البته افراد دیگری هم هستند که الان در قید حیات هستند، از جمله حاج آقا سید مهدی طباطبایی، آیت الله سیدان و دیگران.  **علمایی را که نام بردید، در روش و سبک، چه ویژگی ها ونوآوری هایی داشتند.**  شروع منبر بعضی از اینها با تکیه به صوت بود و بعضی ها هم در اول تکیه به صوت نداشتند، ولی آخر منبر با تکیه به صوت منبر خودشان را تمام می کردند و بعضی ها هر دو را داشتند. مرحوم شیخ عبدالله یزدی آخر منبرشان تکیه به صوت داشتند و من از سبکشان بسیار لذت می بردم البته منبر ایشان حدیثی بود و در مورد موضوعات متعدد صحبت می کرد واحادیث را می خواند، اگر شیخ محمد کرمانی را خراب نمی کردند، جلسات ایشان بسیار پر رونق تر از آقای یزدی بود و در پای منبر ایشان جمعیت زیادی می نشستند. البته من از موافقین ایشان نبودم.  از جمله کسانی که تکیه به صوت داشت، مرحوم حلبی بود و از جمله کسانی که هیچ وقت منبررا با تکیه به صوت شروع نمی کرد حضرت آیت الله وحید خراسانی بود و آقای نوغانی واعظ هم همین گونه منبر می رفتند. شهید هاشمی نژاد هم تکیه به صوت نداشتند و با شدت وحدِّت سخنرانی می کردند، حتی روضه خوانی آنها هم بدون صوت بود. یادم هست که مرحوم آقای رکن در مسجد گوهرشاد منبر می رفت و ایشان در یک جلسه ای کیفیت بیرون آمدن اهل بیت (ع) از مدینه را تشریح کرد، که من تا آن روز ندیده و نشنیده بودم و بعدها آن را در یک کتابی خواندم، ایشان این قضیه را به قدری زیبا تشریح و مجسم کرد که همه بی اختیار شروع به گریه و اشک ریختن کردند و بسیاری از حال رفتند .ایشان در روضه خواندن هم عادی حرف می زد و من نظیر ایشان را در تهران و در مرحوم حاج رضا سراج دیدم. از جمله کسانی که ؛ تکیه به صوت و با عربی فصیح می خواندند، آقای شبیری بودند که تازه از دنیا رفتند.  آقای شیخ محمد عید گاهی متن عبارات مقتل را می خواند و در مجلس اهل علم خیلی اثر می گذاشت.  آقای سید مرتضی واعظ سبزواری پیرمرد بزرگواری بود که حدود 70 یا 80 سال از سن ایشان گذشته بود و وقتی روضه می خواند خودش هم گریه می کرد، به عکس برادرشان آقای سید حسین واعظی که خیلی شوخ بودند و حرف های خنده داری در منبر می زدند.  مرحوم حاج شیخ مهدی واعظ خراسانی منبرش حدیثی بود و در منبر از احادیث بسیاری استفاده می برد و معروف بود که یک دوره بحارالانوار را خوانده است. حدیث خوانی ایشان بسیار مؤثر بود.  سید عباس افتخار، منبرش عرفانی بود و اشعار منظومه را زیاد می خواند.  مرحوم رکن الواعظین منبرهایش مظهر خنده بود. روزی ایشان در حالی که پایش شکسته بود به منبر رفت و از قضا منبر در جایی قرار گرفته بود که در یک طرف آن، زن ها بودند و در طرف دیگر مردها، ایشان گفت : «زین للناس حب الشهوات من النساء» ؛ و در حالی که به سمت زن ها اشاره می کرد، می گفت: این ها، این ها الهی که از نه نه در نمی آمدند.  **در تعامل با مردم چه خصوصیات برجسته ای از ایشان سراغ دارید؟**  از جمله افرادی که من رابطه زیادی با ایشان داشتم، مرحوم حاج آقا واله بودند که ایشان با مردم انس زیادی داشت اگر از ایشان سؤالی پرسیده می شد تا سؤال کننده قانع نمی شدند، جواب را ادامه می دادند و از لحاظ ادب نسبت به مردم خیلی عجیب بودند. البته بعضی از آنها هم گاهی به مقدار کم برخورد تندی با مردم داشتند. بنابراین تعامل آنها با مردم به گونه ای بود، که مردم از آنها راضی بودند، به خصوص هنگامی که منبر می رفتند، تحولی در مردم به وجود می آوردند، مثل آقای شیخ علی محدث (ره) که نفسشان خیلی اثر داشت .  **چه خاطرات ماندنی و درس آموزی از آن بزرگان سراغ دارید که برای مبلغان سودمند باشد.**  یکی از خصوصیت های مرحوم آقای واله این بود که جمع محدودی از افرادی را مشخص می کرد و آنها در روزهای معینی خدمت ایشان می رسیدند و ایشان احادیثی را که یادداشت کرده بودند به آنها می دادند. ایشان جود و سخاوتی داشت که باید برای مردم گفته شود. ایشان حسن انتخاب هم داشتند و لذا احادیثی را که جمع می کردند بسیار مؤثر بود.  در رابطه بامنبر خاطره های زیادی دارم، بخصوص اینکه ما برنامه اعزام مبلغ را از سال 1344 شروع کردیم در آن سال به یکی از روستاها رفتم و تابلوهایی را دیدم که بر روی آن نوشته شده بود سپاه دانش، گفتم این ها چه کاری انجام می دهند؟ گفتند که برای سواد آموزی به روستا آمده اند و بعضی اوقات یک پسر و یک دختر به کلاس آنها می رفتند. البته در واقع برای ترویج فساد می رفتند. این جریان نقطه آغازین حرکت ما شد که شب های جمعه به روستاهای اطراف برویم و برای خودمان آیین نامه 8 ماده ای تصویب کرده بودیم و در آن جلسات شهید هاشمی نژاد، مقام معظم رهبری و دیگران نیز بودند و این برنامه اعزام مبلغ از همان زمان تا به الان و در محدوده روستاهای مشهد انجام می شود. در همان سال شهید آیت الله سعیدی به مشهد آمدند و من به نزد ایشان رفتم. ایشان به من گفت که من امشب در این جا هستم و لذا مرا برای تبلیغ به جایی بفرست. آمدیم و یک روستایی را معرفی کردیم و ایشان به آنجا رفتند، که این امر نشان دهنده اهمیت تبلیغ است.  خاطره ای که از رفراندوم دارم بسیار عجیب است، طلبه ای برای تبلیغ رأی گیری به یکی از روستاهای اطراف شیروان در خراسان شمالی رفته بود، ایشان می گوید: من یکی از روستایی ها را دیدم که در یک دست کارد قصابی و در دست دیگر پسرش را گرفته و می خواهد او را قربانی کند. علت را جویا شدم، گفت که من نذر کردم که اگر جمهوری اسلامی پیروز شود به دست خودم بچه ام را قربانی کنم. به هر صورتی که بود او را راضی کرده بودند که به جای پسرش یک گوسفند قربانی کند. این خاطره را وقتی برای آقای خزعلی گفتم ایشان گفت: من باید این قضیه را به حضرت امام بگویم. در آن زمان مرحوم آیت الله مشکینی هم یک روز به آنجا آمدند و مقداری پول به من دادند که در جهت تبلیغ صرف کنم، به ایشان گفتم که آقا شما وضعیت مالی بالایی ندارید این پول را برای خودتان خرج کنید. ایشان گفتند که من می خواهم از زندگیم کم کنم و برای تبلیغ خرج کنم.  خاطره دیگراینکه شب های ماه مبارک رمضان برای گوش دادن به منبرها به مسجد گوهرشاد می رفتم. در یک طرف ایوان، سید عباس افتخار منبر می رفتند و در طرف دیگر شیخ حسن کافی، من دوست داشتم که به منبر سید عباس افتخار گوش بدم، ولی حضرت آیت الله خامنه ای به من فرمودند که منبر شیخ حسن کافی را گوش بده، چرا که ایشان محکم سخن می گوید و من محکم سخن گفتن را دوست دارم.  در پایان باید عرض کنم که ما الان نیاز مبرم به معارضه با فرقه های باطل داریم و باید آنها را شناسایی کنیم لذا بایدافرادی در این راستا تربیت شوند، چرا که فرقه های زیادی در خود مشهد در حال فعالیت هستند، که از فرقه های باطل به شمار می روند.  \* از خطبای مشهور شهر مشهد مقدس |